

بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر

An Investigation on Validity and Reliability of the Attitudes about Romance and Mate Selection scale

S. Sepehri

✉ صفورا سپهری

دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

M. R. Hasan Tavakoli

محمد رضا حسن‌زاده توکلی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۶
دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۵/۱۵
پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۳۰

Abstract

Mate selection process is an important and difficult issue for many in different societies. Selection of appropriate person to marry is one of the most stressful decisions in life. People ambitiously try to find the appropriate person to marry and understand if they are having the right choice or not before marriage. Unfortunately, the basics of the people who are trying to choose the appropriate individual come from unrealistic beliefs or expectations.

✉ Corresponding Author: Shahid Beheshti University, Education and Psychology Department Psychology Group.
Tel: +9821-29902362
Email: safoura.sepehri@gmail.com

چکیده:

امروزه برای اکثر افراد در جوامع مختلف فرایند انتخاب همسر مسئله‌ای مهم و مشکل است. انتخاب فرد مناسب برای ازدواج یکی از پراسترس‌ترین تصمیمات فرد در طول زندگی می‌باشد. افراد برای یافتن فرد مناسب ازدواج به شدت تلاش و سعی می‌کنند قبل از ازدواج دریابند آیا انتخاب صحیحی کرده‌اند. اما متأسفانه زیربنای اساسی تلاش افراد در انتخاب فرد مناسب از باورها یا انتظارات غیرواقعی نشأت می‌گیرد.

✉ نویسنده مسئول: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۲
پست الکترونیکی: safoura.sepehri@gmail.com

Cobb, Larson and Watson (2003) developed the scale for attitudes about romance and mate selection which evaluates 7 irrational beliefs including Cohabitation, One and Only, Love Is Enough, Ease of Effort, Idealization, Opposites, complement, and Complete assurance. This Research examined validity and reliability of the Persian version of this scale. Extracted beliefs based on factor analysis were: Believe love, Pivotal experience, Idealization, Opposite seeking, Easy getting and Optimistic view. Factor analysis could show the underlying structure of the questionnaire and explained a significant amount of variance that provides evidence for the validity. Reliability of the questionnaire is reported based on Cornbach's alpha, and high levels of variances explained.

Keywords: Irrational beliefs, Constraining beliefs, Mate selection.

کوب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳)، جهت بررسی این باورها، مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر را ساختند که ۷ باور غیرمنطقی را مورد ارزیابی قرار می‌داد: زندگی مشترک، تنها و فقط یکی، عشق کافی است، آسانی تلاش، زوج متضاد، ایده‌آل‌نگری و اطمینان کامل. پژوهش حاضر اعتبار و روایی نسخه فارسی این مقیاس را مورد بررسی قرار داد و بر اساس تحلیل عامل به استخراج باورها پرداخت که عبارت بودند از: عشق‌باوری، تجربه‌محوری، ایده‌آل‌نگری، متضادجویی، آسان‌بینی و خوش‌باوری. موفقیت تحلیل عاملی در نشان دادن ساختار زیربنایی پرسشنامه و میزان قابل توجه واریانس تبیین شده توسط آن را می‌توان به عنوان شاهی بر روایی در نظر گرفت. اعتبار پرسشنامه از سویی با استفاده از آلفای کرونباخ و از سوی دیگر بر اساس میزان بالای واریانس تبیین شده توسط تحلیل عاملی تأیید شد.

کلیدواژه‌ها: باورهای غیرمنطقی، باورهای محدودکننده، انتخاب همسر

مقدمه

امروزه برای اکثر افراد در جوامع مختلف فرایند انتخاب همسر مسئله‌ای مهم و مشکل است. معمولاً باور افراد در مورد یافتن فرد مورد نظر قبل از ازدواج و بعد از آن متفاوت است. یکی از علت‌های بی‌شمار شیوع بالای طلاق و نارضایتی در زندگی زناشویی در جامعه امروز، وجود باورهای غیرمنطقی در مورد ازدواج است؛ به طوری که افراد از همسر خود انتظار دارند به صورت همزمان نقش یک

دوست، همدل، شریک جنسی بی‌عیب، مشاور و حتی نقش پدر و مادر را ایفا کند (لارسون، ۱۹۸۸). زوجینی که در زندگی مشترک احساس شادی نمی‌کنند، دارای انتظارات غیرواقعی در مورد ازدواج هستند که مانع رشد و توسعه رضایت زناشویی می‌شود (والر^۱ و مک‌لنahan^۲، ۲۰۰۵). در پس این انتظارات غیرواقعی در مورد ازدواج، مجموعه‌ای از باورهای خرافی و افسانه وجود دارد (کراسبی^۳، ۱۹۸۵). افراد با یک‌سری باورهای محدودکننده^۴ و کلیشه‌ای دست به انتخاب می‌زنند، اما بعد از شروع زندگی آن‌چه انتظار داشته‌اند را دریافت نمی‌کنند و از انتخاب خود مأیوس می‌شوند. باورهای محدودکننده در مورد انتخاب همسر به صورت باورهای شخصی تعریف می‌شوند که بنا بر تعریف لارسون (۲۰۰۰) شامل چهار دسته باور هستند: ۱) محدود کردن انتخاب‌های فرد بر اساس این‌که با چه کسی و چه زمانی ازدواج کند، ۲) تقویت کردن باور به تلاش بیش از حد یا بسیار کم برای یافتن همسر مناسب، ۳) عدم توجه عمیق در مورد ضعف‌ها و قدرت‌های درون‌فردی و عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت زندگی زناشویی و ۴) باور به دائمی بودن مشکلات مربوط به انتخاب همسر و عدم وجود راه‌حل‌های مناسب و سازنده. برای مثال بعضی افراد بر این باورند که تنها عشق می‌تواند از پس تمام مشکلات برآید و ازدواج موفق را رقم زند (لارسون، ۱۹۹۲). هرچند بسیاری از پژوهشگران به نقد این مسئله پرداخته و تنها عاشق بودن را ناکافی دانسته‌اند (لاسون، ۲۰۰۰). هم‌چنین باور به این‌که تنها یک جفت مناسب برای ازدواج با فرد وجود دارد باعث خواهد شد که فرد به دنبال موردی مناسب نباشد بلکه به دنبال تنها مورد مناسب باشد که می‌تواند منجر به منفعل شدن او در فرایند انتخاب همسر گردد (لارسون، ۱۹۹۲). داشتن معیارهای بسیار بالا که معمولاً وجود همه آن‌ها در یک فرد غیرممکن هستند یا معیارهای بسیار ضعیف که احتمالاً منجر به ازدواج ناموفق خواهند شد، از دیگر مثال‌های باورهای نادرست هستند (لارسون، ۲۰۰۰). اطلاعات کمی در مورد میزان استفاده این باورها و میزان محبوبیت هر کدام از آن‌ها در بین افراد مجرد، موجود است. اهمیت مطالعه باورها در این است که پژوهش‌ها نشان می‌دهند باورها بر رفتار و احساسات تأثیر می‌گذارند (رایت، واتسون و بل، ۱۹۹۶). باورها بر احساس‌های ما تأثیر می‌گذارند و پاسخ‌های ما را در موقعیت‌ها هدایت می‌کنند که خود بر میزان رضایت ما از زندگی و روابط موجود اثرگذار است. برای مثال کسانی که بر این باورند قبل از ازدواج باید از همه لحاظ کامل شده باشند، احتمالاً به شدت در مورد ضعف‌هایش احساس عدم صلاحیت می‌کنند و در نتیجه به صورت جدی به دنبال انتخاب همسر نخواهد بود. آگاهی از میزان رواج این باورها در میان زنان و مردان مجرد، به عنوان باورهایی که ممکن است مشکل‌ساز باشند، می‌تواند دید روشنی به درمان‌گرها و مشاوران قبل از ازدواج دهد. پرسشنامه‌های محدودی به بررسی بعضی از این باورها پرداخته‌اند، به طور مثال پرسشنامه‌ای که به

طور خاص تنها باورهای مربوط به عشق را مورد بررسی قرار داده است (شپریچر و متز، ۱۹۸۹). اما پرسشنامه‌ای که از همه جامع‌تر است بر اساس باورهایی که لارسون (۲۰۰۰) تعریف می‌کند، ساخته شده است (کوب، لارسون و واتسون، ۲۰۰۳). لارسون (۱۹۹۲) بر اساس پژوهش‌های پیشین، ۹ گروه باور محدودکننده را که افراد در مورد انتخاب همسر دارند، معرفی می‌کند که عبارتند از: ۱) تنها یکی و فقط یکی؛^۵ فردی که این باور را دارد، معتقد است «تنها یک فرد مناسب در دنیا برای ازدواج با من وجود دارد». این شبیه به باوری است که معتقد است هر فرد نیمه گمشده‌ای دارد که باید برای کامل شدن با او ازدواج کند. این یک باور محدودکننده است؛ زیرا باید فرد بداند چه زمانی نیمه گمشده‌اش ظاهر می‌شود. این که چه‌طور فرد به این بینش می‌رسد، مبهم و نامشخص است. این باور همچنین باعث یک انتظار منفعل برای رسیدن به لحظه موعود می‌شود و در این بین فرد موردهای مناسب خود را بدون بررسی رد می‌کند. ۲) شریک کامل؛^۶ این باور بدین معنا است که «تا زمانی که من فرد کاملاً مناسب را برای ازدواج پیدا نکنم، نباید ازدواج کنم». کسی که این باور را دارد ممکن است از تصمیم‌گیری در مورد ازدواج امتناع ورزد، زیرا هیچ‌کس در همه زمینه‌ها کامل نیست و احتمالاً زمان زیادی را باید منتظر بماند تا فرد مورد نظر خود را پیدا کند. ۳) خود کامل؛^۷ فرد با این باور معتقد است «تا زمانی که از خود به عنوان همسر آینده کاملاً مطمئن نباشم، نباید ازدواج کنم». این باور نیز مانند باور ۲ مانع تصمیم‌گیری می‌شود، زیرا هیچ‌کس، احساس اطمینان از این که بتواند همسر کاملی باشد ندارد. احساس آمادگی شخصی هنگام تصمیم‌گیری مهم است اما طبیعی است که افراد در مورد تصمیمی که می‌گیرند، احساس اضطراب داشته باشند. ۴) رابطه کامل؛^۸ این باور بیان می‌دارد «قبل از ازدواج باید ثابت کنیم رابطه موجود بینمان کاملاً کارآمد است». این یک مسئله عاقلانه است که به پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت قبل از ازدواج توجه شود (لارسون و هالمن، ۱۹۹۴)، به‌طور مثال مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله و شباهت ارزش‌ها و باورهای هر دو نفر، اما این که ثابت کنیم و تضمین قطعی وجود داشته باشد که در یک رابطه هیچ نقصی نخواهد بود، یک باور محدودکننده خواهد بود. ۵) بیشتر سعی کن؛^۹ این باور بیان می‌دارد، «من با هر کسی که انتخاب کنم زندگی شادی خواهم داشت، اگر به اندازه کافی سعی و تلاش نمایم». لارسون (۱۹۹۲) معتقد است، برای داشتن یک زندگی خوب، هر دو نفر باید بلوغ فکری داشته و احساس مسئولیت کنند و بخواهند مشکلات موجود در زندگی را حل کنند و هیچ فردی به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. ۶) عشق کافی است؛^{۱۰} فردی که این باور را دارد ممکن است بگوید «عشق یک نفر شدن دلیل کافی برای ازدواج با او خواهد بود». در جوامع امروزه به‌خصوص جوامع غربی عشق یک معیار اولیه برای ازدواج است و افراد بسیار کمی حاضر هستند بدون عشق ازدواج کنند (سیمپسون، کمبل و برشید، ۱۹۸۶)، اما این با باور کافی بودن عشق، متفاوت است. اگر عشق تنها ملاک لازم در نظر

گرفته شود، ملاک‌های مهم دیگر دیده نخواهد شد (لارسون، ۱۹۹۲). (۷) زندگی با هم^{۱۱}؛ این باور بیان می‌دارد «اگر با همسر آینده‌ام قبل از ازدواج زندگی کنم، می‌توانیم زندگی بهتری در آینده داشته باشیم». پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند، کسانی که زندگی مشترک قبل از ازدواج را تجربه کرده‌اند، نسبت به کسانی که این تجربه را نداشته‌اند نارضایتی بیشتری دارند و به احتمال بیشتری اقدام به طلاق می‌کنند (لارسون، ۲۰۰۰). البته علت این امر بیشتر به ویژگی‌های شخصیتی این نوع افراد مربوط می‌شود و خود تجربه زندگی قبل از ازدواج دلیل اصلی نیست (ستزر، ۲۰۰۰). برای مثال این افراد معمولاً مشکل بیشتری با تعهد دارند، به جایگاه ازدواج بهای کمتری می‌دهند و دید مثبت‌تری نسبت به طلاق دارند (لارسون، ۲۰۰۰). (۸) زوج متضاد^{۱۲}؛ فردی که این باور را دارد معتقد است «فردی مناسب ازدواج با من است که ویژگی‌های شخصیتی متضادی با من داشته باشد». با وجود این‌که این باور مشهور وجود دارد که دو فرد متفاوت می‌توانند کامل‌کننده یکدیگر باشند و نقاط ضعف و قدرت یکدیگر را کامل کنند، پژوهش‌ها نشان می‌دهند، یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت زناشویی، شباهت در نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و ویژگی‌های شخصیتی دو طرف است (لارسون و هالمن، ۱۹۹۴). (۹) انتخاب باید آسان باشد^{۱۳}؛ این باور بیان می‌دارد انتخاب همسر باید امری آسان در نظر گرفته شود و در واقع این مسئله بر اساس شانس و تصادف رخ می‌دهد. بنابراین فرد ممکن است معتقد شود که انتخاب همسر مسئله‌ای است که برای او اتفاق می‌افتد نه این‌که او شخصاً کاری انجام دهد. این نوع افراد منتظر یک موقعیت و فرصت می‌نشینند و معتقدند عشق در اولین برخورد رخ می‌دهد و احساس نیاز به آمادگی یا فعالیتی که فرد را به هدف ازدواج نزدیک کند، نمی‌کنند. کوب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) بر اساس این ۹ باور، مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق و انتخاب همسر^{۱۴} (ARMSS) را ساختند که در نهایت بر اساس تحلیل عامل ۷ باور به نام‌های یکی و تنها یکی، عشق کافی است، زندگی با هم، اطمینان کامل^{۱۵} (که شامل باور خود کامل و بعضی گویه‌های رابطه کامل بود)، ایده‌آل‌نگری^{۱۶} (که شامل بعضی گویه‌های شریک کامل و بعضی گویه‌های رابطه کامل بود)، (۶) آسانی تلاش^{۱۷} (انتخاب باید آسان باشد) و زوج متضاد استخراج شد و از هر باور ۴ گویه انتخاب گردید که در مجموع ۲۸ سؤال را تشکیل دادند، این ۲۸ سؤال به‌علاوه ۴ گویه انحرافی^{۱۸} که از ۸ گویه‌ای که در تحلیل عامل اولیه حذف شده بودند، روی هم ۳۲ گویه را در مقیاس نهایی تشکیل دادند. بر اساس این ابزار پژوهش‌های متنوعی در حوزه انتخاب همسر صورت گرفته به‌طور مثال، پریست^{۱۹} و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی رابطه انحلال روابط و باورهای خرافی در مورد انتخاب همسر و عشق پرداخته‌اند؛ در این پژوهش

نشان داده شده که هر چه فرد روابط بیشتری را تجربه کرده باشد، به احتمال کمتری هنگام انتخاب فرد جدید از باورهای غیرمنطقی استفاده خواهد کرد. میرز^{۲۰} (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان «نگرش دانشجویان سیاه پوست نسبت به انتخاب همسر و رمانس^{۲۱}»، از مقیاس حاضر استفاده نمود. یافته‌های میرز (۲۰۰۸) نشان داد میانگین نمرات افراد سیاه‌پوست از نمونه کوب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳)، کمتر بود که این امر به وابسته به فرهنگ بودن این باورها اشاره دارد. هم‌چنین نوثبارم^{۲۲} (۲۰۰۶)، در پژوهش خود تحت عنوان «ارتباط بین باورهای مربوط به انتخاب همسر و بلوغ معنوی افراد ۱۸ سال^{۲۳}» نقش دین را در پیش‌بینی کردن بعضی از باورها نشان می‌دهد، نتایج این پژوهش حاکی از این بود که افراد با گرایش مذهبی و معنوی در باور تنها و تنها یک نفر، نمره بالایی کسب کردند در حالی که در باور زندگی مشترک نمره پایینی را گزارش دادند.

در ایران پژوهش‌هایی در مورد باورهای ارتباطی زوجین انجام شده، اما توجه کمتری به باورهای مربوط به انتخاب همسر وجود داشته است، در صورتی که به نظر می‌رسد بهتر است اگر در باورها مشکلی وجود دارد، همان قبل از ازدواج و در مرحله انتخاب همسر شناسایی شده و از اطلاعات بدست آمده در طراحی برنامه‌های آموزشی در سطح کلان و مشاوره‌های قبل از ازدواج استفاده شود. برنامه‌های ارتباطی قبل از ازدواج در جهت کسب باورها و انتظارات واقعی در مورد ازدواج و همسر بسیار مفید است (یلماز^{۲۴} و کالکان^{۲۵}، ۲۰۱۰). در پژوهشی کرپلمن^{۲۶} و همکاران (۲۰۰۹)، با استفاده از یک دوره آموزشی، جوانان را برای روابط بهتر مجهز کردند. در این پژوهش برای سنجش میزان کارایی دوره از سه عامل مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. بر اساس کل یافته‌های مذکور و اهمیت باورهای مربوط به انتخاب همسر، در پژوهش حاضر مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق و انتخاب همسر ترجمه شد تا روایی و اعتبار آن بررسی گردد تا بعد از آن پژوهشگران علاقه‌مند به بررسی میزان شیوع این نوع باورها در اقشار مختلف و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها بپردازند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه این پژوهش دانشجویان مجرد مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های شهید بهشتی، علوم پزشکی شهید بهشتی، شیراز و علوم پزشکی شیراز بودند. نمونه این پژوهش شامل ۶۳۴ نفر از دانشجویان (۲۹۵ نفر از دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز و ۳۳۹ نفر از دانشگاه‌های شهید بهشتی و علوم پزشکی شهید بهشتی) مقاطع مختلف تحصیلی بودند که به صورت هدفمند از ۵ شاخه مهندسی، علوم ریاضی و فیزیک، علوم زیستی، علوم انسانی و پزشکی و زیرشاخه انتخاب شدند و در هر شاخه نزدیک به ۵۰ دختر و ۵۰ پسر از ۳ مقطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا به

تناسب جمعیتی این مقاطع، قرار گرفتند. ملاک‌های ورود، شامل دانشجوی دانشگاه‌های مذکور و مجرد بودن و ملاک‌های خروج شامل متأهل یا سابقه تأهل می‌شد. توزیع افراد در رشته‌های مختلف در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: تعداد افراد بر حسب رشته و جنسیت

رشته تحصیلی جنسیت	مهندسی	ریاضی، فیزیک و آمار	زیست، شیمی و زمین‌شناسی	علوم انسانی	پزشکی و زیرشاخه
دختر	۴۳	۴۳	۶۴	۱۰۶	۴۵
پسر	۷۴	۵۹	۵۲	۸۹	۵۸

تفکیک شرکت‌کنندگان در مقاطع تحصیلی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: تعداد افراد بر حسب مقطع تحصیلی و جنسیت

مقاطع تحصیلی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکترای حرفه‌ای	دکترای حرفه‌ای
دختر	۱۴۰	۹۰	۳۰	۴۱
پسر	۱۲۹	۱۲۰	۳۳	۴۸

دامنه سنی دختران بین ۱۹ تا ۳۸ سال بود که متوسط سنی آنان ۲۳/۲۲ بدست آمد و دامنه سنی پسران بین ۱۸ تا ۳۸ سال و متوسط سنی آنان نیز ۲۳/۳۹ بدست آمد. متوسط سن طلایی ازواج برای دختران و پسران به ترتیب به صورت ۲۳/۹۸-۲۵/۳۱ و ۲۶/۳۷-۲۵/۳۶ گزارش شد.

ابزار پژوهش

مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق و انتخاب همسر: این مقیاس شامل ۳۲ گویه است که در طیف ۷ امتیازی از به‌شدت موافقم (نمره ۷) تا به‌شدت مخالفم (نمره ۱)، نمره‌گذاری شده است. یافته‌ی پژوهش کوب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳) حاکی از اعتبار و روایی مطلوب برای این نگرش‌سنج بود، به طوری که آلفای کرونباخ عامل‌ها بین ۰/۸۸ تا ۰/۶۷ گزارش شد که روی هم‌رفته کل عامل‌ها ۴۸/۷٪ واریانس را تبیین می‌کردند.

روش اجرا

شیوه اجرا به صورت گروهی و محل اجراء محیط دانشگاه بود. قبل از ارائه پرسشنامه توضیحاتی درباره نحوه پاسخدهی به سؤالات، هدف پژوهش و ضرورت همکاری صادقانه آن‌ها ارائه گردید. علاوه

بر این به افراد اطمینان داده شد که جواب‌های آنان محرمانه خواهد ماند و در صورتی که تمایل دارند از نتیجه عملکرد خود آگاهی حاصل کنند، می‌توانند آدرس پست الکترونیکی خود را نوشته تا پس از پایان کار نتیجه به آدرس آنان فرستاده شود. مدت زمان صرف شده برای پاسخدهی به سؤالات از سوی افراد به طور تقریبی بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در نوسان بود. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها کار نمره‌گذاری انجام شد.

یافته‌ها

در ابتدا به تحلیل سؤال‌های پرسشنامه به طور مجزا پرداخته شد. بدین منظور از میانگین هر سؤال به عنوان شاخص مقبولیت (معادل ضریب دشواری در آزمون‌های توانایی) و انحراف استاندارد هر سؤال برای بررسی برخوردار بودن هر سؤال از واریانس مناسب استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد، نمرات هر سؤال بین یک تا هفت در نوسان بوده است، این که میانگین مربوط به هیچ یک از سؤال‌ها در کرانه‌ها (۱ و ۷) قرار ندارد نشان‌دهنده این است که سؤال‌ها از ضریب مقبولیت (معادل ضریب دشواری در آزمون‌های توانایی) مناسبی برخوردارند. میزان انحراف استاندارد سؤال‌ها هم حاکی از تنوع پاسخ‌هاست که این نیز به نوبه خود بیانگر این است که سؤال‌ها از تغییرپذیری^{۳۷} خوبی هم برخوردارند. تحلیل فوق نشان می‌دهد که پرسشنامه، در سطح تک‌تک سؤال‌ها از لحاظ روان‌سنجی مناسب است. بنابراین می‌توان به بررسی ساختار پرسشنامه پرداخت.

در گام بعدی ساختار پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. برای این کار از تحلیل عاملی استفاده شد. از آن‌جا که مقیاس سؤال‌های پرسشنامه، رتبه‌ای (یا طبقه‌ای مرتب شده) محسوب می‌شوند، لازم است که در تحلیل عاملی از ضریب همبستگی متناسب با این مقیاس استفاده شود. اما می‌دانیم که نرم‌افزار SPSS از همبستگی پیرسون به عنوان مبنای تحلیل عاملی استفاده می‌کند. برای رفع این نقیصه ابتدا ماتریس همبستگی سؤال‌ها در نرم‌افزار LISREL محاسبه شد و در قدم بعدی از این همبستگی‌ها در SPSS به عنوان ورودی تحلیل عاملی استفاده گردید.

جدول ۳: شاخص‌های اولیه برای بررسی شرایط تحلیل عاملی

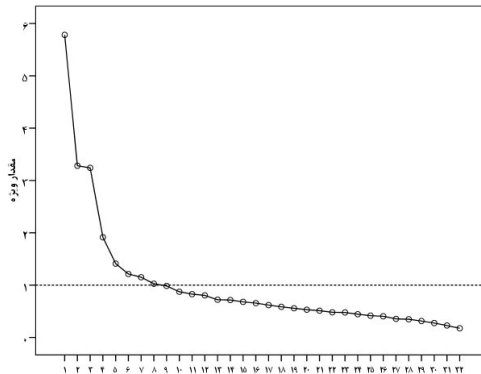
۰/۰۰۰۰۱۳	دترمینان ماتریس همبستگی
۰/۸۴۰	(KMO) شاخص کفایت نمونه‌برداری کایزر- مایر- آلكین
۷۰۲۹/۶۰۳	مجذور کای بارتلت برای کروییت
۴۹۶	درجه آزادی
۰/۰۰۰	معناداری

با توجه به یافته‌های جدول ۳، دترمینان ماتریس همبستگی غیر صفر است و بنابراین انجام تحلیل عاملی امکان‌پذیر است. شاخص کفایت نمونه‌برداری در اندازه بسیار مطلوبی است و این نشان

می‌دهد که ماتریس همبستگی از اطلاعات لازم برای استخراج عامل‌ها برخوردار است. معنادار بودن مجذور کای بارتلت نیز نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی، از ماتریس واحد فاصله دارد و همبستگی بین متغیرها قابل توجه است. همه این موارد انجام تحلیل عاملی را بر روی ماتریس همبستگی سؤال‌ها توجیه می‌کند. فرایند بررسی عامل‌هایی که در زیربنای سؤال‌ها قرار دارند با یک تحلیل مؤلفه‌ای آغاز شد تا برداشت اولیه‌ای از تعداد عامل‌ها به دست آید. نتایج نشان دادند، که مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده از مؤلفه هشتم به بعد ناچیز هستند. سه مؤلفه نخست واریانس قابل توجهی را پوشش دادند، اما باقی مؤلفه‌ها از واریانس قابل توجهی برخوردار نبودند. اما از آن‌جا که پس از چرخش عامل‌ها واریانسی که روی چند عامل نخست متمرکز شده است بین همه عامل‌ها توزیع می‌شود، باید به بیش از سه عامل می‌اندیشید.

یکی از ملاک‌های تعداد عامل‌ها، مقدار ویژه بالای یک است. با این ملاک، هشت عامل برای چرخش پیشنهاد شد. اما با توجه به مقدار ناچیز واریانس چند مؤلفه آخر از این هشت مؤلفه، ممکن است این ملاک، تعداد عامل‌ها را بیش‌برآورد کرده باشد. از این رو توجه به ملاک‌های دیگری مثل درصد واریانس تبیین‌شده، نمودار صخره‌ای و از همه مهم‌تر نائل شدن به ساختار ساده اهمیت می‌یابد. بر اساس منحنی اسکری (شکل ۱)، تغییر شیب و هموار شدن نمودار را می‌توان در مؤلفه ششم، هشتم و نهم مشاهده کرد. از این‌رو منطقی است که به شیوه‌ای اکتشافی، راه‌حل‌های شش، هشت و نه عاملی امتحان می‌شد در نتیجه بر اساس معیار ساختار ساده و میزان واریانس تبیین‌شده، بهترین راه‌حل برگزیده شد.

شکل ۱: منحنی شیب اسکری



پس از آزمودن راه‌حل‌هایی با شش الی نه عامل و با شیوه‌های استخراج گوناگون، مشخص شد که روشن‌ترین ساختار عاملی در این داده‌ها وقتی به دست می‌آید که استخراج عامل‌ها بر اساس

شش عامل و به شیوه مؤلفه‌های اصلی انجام گیرد و با عامل‌های به دست آمده روش واریماکس چرخانده شود. در نهایت عامل‌ها توانسته‌اند ۵۴ درصد واریانس سؤال‌ها را توجیه کنند. می‌توان تحلیل عاملی انجام گرفته را برای شناخت ساختار عاملی پرسشنامه، موفق ارزشیابی کرد.

جدول ۴: بارهای عاملی سؤال‌ها پس از چرخش

عامل						شماره سؤال
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
.	۰/۷۴۶	۳
.	۰/۷۰۶	۲
.	۰/۷۰۶	۲۵
.	۰/۶۹۱	۲۶
.	۰/۶۷۹	۱۱
.	۰/۶۴۶	۱۸
.	۰/۵۹۰	۲۹
.	۰/۵۷۷	۶
.	.	.	۰/۴۴۱	.	۰/۵۱۴	۱۷
.	.	.	.	۰/۱۸۶۶	.	۱۹
.	.	.	.	۰/۱۸۶۴	.	۲۷
.	.	.	.	۰/۱۸۴۹	.	۱۲
.	.	.	.	۰/۱۷۸۱	.	۴
.	.	.	.	۰/۱۶۶۷	.	۲۰
.	.	.	۰/۴۶۹	۰/۵۶۰	.	۲۱
.	.	.	۰/۶۴۴	.	.	۲۸
.	.	.	۰/۶۱۲	.	.	۱۳
.	.	.	۰/۶۰۷	.	.	۱۴
.	.	.	۰/۵۹۰	.	.	۵
.	.	.	۰/۵۲۰	.	.	۲۲
.	.	.	۰/۵۱۷	.	.	۱۵
.	.	۰/۷۴۳	.	.	.	۸
.	.	۰/۶۹۲	.	.	.	۳۲
.	.	-۰/۶۹۰	.	.	.	۲۴
.	.	-۰/۵۰۲	۰/۴۹۵	.	.	۱۶
.	۰/۷۷۴	۲۳
.	۰/۶۷۸	۳۱
.	۰/۵۴۷	۷
۰/۶۷۳	۱۰
۰/۵۸۶	۱
۰/۵۰۵	۹

بارهای عاملی سؤال‌ها در جدول ۴ ارائه شده‌اند. جدول ۴ بار عاملی سؤال‌ها را در تحلیل نهایی و پس از چرخش نشان می‌دهد.

از بین ۳۱ سؤال تنها سه سؤال بار متقاطع دارند که نسبت به تعداد سؤال‌ها قابل قبول است. هر سؤال در عاملی جای گرفت که بار بیشتری داشت و به لحاظ معنایی نیز به عامل مورد نظر نزدیک‌تر بود. لازم به ذکر است که تنها یکی از سؤال‌ها یعنی سؤال ۳۰ به علت نداشتن بار قابل توجه روی هیچ یک از عامل‌ها، حذف شد.

در ادامه کوشش شد با توجه به مضمون سؤال‌ها و بر اساس زیربنای نظری پرسشنامه، نامی مناسب برای هر عامل انتخاب شود (کل پرسشنامه در پیوست آورده شده است): عشق‌باوری، تجربه‌محوری، ایده‌آل‌نگری، متضادجویی، آسان‌بینی و خوش‌باوری. سپس اعتبار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۵ مقادیر آلفای کرونباخ را برای پاره‌تست‌های مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۵: مقادیر آلفای کرونباخ برای هر یک از عامل‌ها

آلفا	پاره‌تس
۰/۸۲۲	عشق‌باوری
۰/۸۷۳	تجربه‌محوری
۰/۶۵۹	ایده‌آل‌نگری
۰/۵۹۵	متضادجویی
۰/۵۰۴	آسان‌بینی
۰/۳۷۰	خوش‌باوری

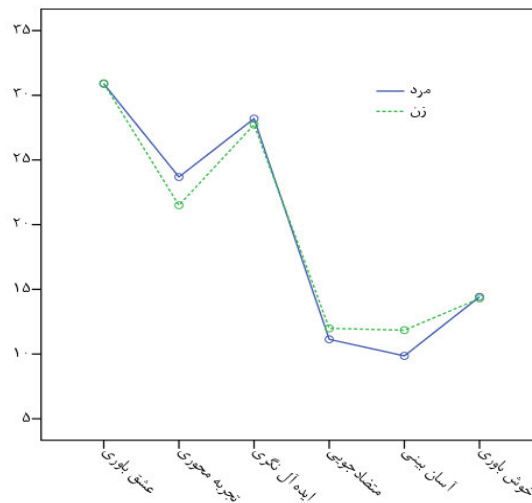
ملاحظه می‌شود که به جز پاره‌تست خوش‌باوری، باقی پاره‌تست‌ها از همسانی درونی بالایی برخوردارند. در مورد خوش‌باوری نیز با توجه به این‌که این پاره‌تست فقط از سه سؤال تشکیل یافته و با در نظر داشتن حساسیت آماره آلفا به تعداد سؤال‌های مقیاس، می‌توان مقدار به دست آمده را قابل قبول دانست. در نهایت روایی سازه پرسشنامه مشخص شد.

جدول ۶: همبستگی عامل‌ها با سن در نمونه کلی و به تفکیک جنس

تفاوت دو جنس p	زنان	مردان	نمونه کلی	
۰/۳۳۸	-۰/۱۱۶	-۰/۰۸۳	-۰/۰۹۸*	عشق‌باوری
۰/۲۳۷	۰/۱۱۷	۰/۱۷۳**	۰/۱۴۹**	تجربه‌محوری
۰/۰۶۷	-۰/۰۲۰	۰/۱۳۹*	-۰/۰۸۰	ایده‌آل‌نگری
۰/۰۱۶	-۰/۰۶۰	۰/۱۱۰	۰/۰۲۵	متضادجویی
۰/۴۵۰	۰/۰۴۲	۰/۰۵۲	۰/۰۳۸	آسان‌بینی
۰/۰۱۵	۰/۰۹۶	۰/۰۷۸	۰/۰۰۰	خوش‌باوری

با توجه به جدول ۶، پاره‌تست عشق‌باوری با سن همبستگی منفی معنادار و پاره‌تست تجربه محوری با سن همبستگی مثبت و معنادار است. نکته جالب توجه این‌که وقتی این همبستگی‌ها به تفکیک جنس محاسبه می‌شوند نتایج متفاوت است. در گروه مردان همبستگی تجربه‌محوری با سن معنادار و مثبت و همبستگی مربوط به ایده‌آل‌نگری منفی و معنادار است، اما هیچ یک از همبستگی‌ها در گروه زنان، معنادار نیست.

با توجه به جدول ۶، تفاوت دو جنس در باورهای تجربه‌محوری ($p=0/002$)، متضادجویی ($p=0/009$) و آسان‌بینی ($p=0/000$) معنادار است. با توجه به شکل ۲، در تجربه‌محوری نمرات مردان بالاتر است و در متضادجویی و آسان‌بینی، زنان نمرات بالاتری کسب کرده‌اند.



شکل ۲: میانگین باورها در دو جنس

بحث

تحلیل‌ها نشان دادند که سؤالات پرسشنامه همگی به صورت انفرادی شاخص‌های لازم را برای استفاده به عنوان یک ابزار سنجش دارند. موفقیت تحلیل عاملی در نشان دادن ساختار زیربنایی پرسشنامه و میزان قابل توجه واریانس تبیین شده توسط آن را می‌توان به عنوان شاهدهی بر روایی در نظر گرفت. اعتبار پرسشنامه از سویی با استفاده از آلفای کرونباخ و از سوی دیگر بر اساس میزان بالای واریانس تبیین شده توسط تحلیل عاملی تأیید شد. بر اساس تحلیل عامل صورت گرفته، شش عامل به نام‌های عشق‌باوری، تجربه‌محوری، ایده‌آل‌نگری، متضادجویی، آسان‌بینی و خوش‌باوری استخراج شد. می‌توان به مقایسه این عامل‌ها با عامل‌های پژوهش اصلی و مفهومی که در پشت هر

باور است، پرداخت. عامل عشق‌باوری شامل ۹ سؤال می‌باشد که عامل‌های عشق کافی، تنها و فقط یکی و ایده‌آل‌نگری را در برمی‌گیرد. عامل عشق کافی است نشان می‌دهد که فرد معتقد است «عاشق یک نفر بودن دلیل کافی برای ازدواج کردن با اوست»؛ تمام سؤالات این عامل در عامل عشق‌باوری جای گرفتند که کاملاً با عشق‌باوری همخوان هستند. باور تنها و فقط یکی نشان می‌دهد که فرد معتقد است «تنها یک فرد مناسب در دنیا برای ازدواج با من وجود دارد»، تنها یک سؤال این باور در عامل عشق‌باوری قرار نگرفت که دارای بار منفی بود و نشان می‌داد فرد معتقد است افراد مختلفی وجود دارند که می‌توانند برای زندگی با او مناسب باشند. دو سؤال از عامل ایده‌آل‌نگری نیز در این عامل جای گرفتند که عبارت بودند از «من با معشوقم ازدواج می‌کنم حتی اگر مطمئن نباشم او می‌تواند از پس تمام نیازهای من برآید» و «من با فردی که عاشقش هستم ازدواج خواهم کرد، هرچند او کاملاً ایده‌آل من نباشد»؛ در واقع این دو سؤال به صورت منفی در باور ایده‌آل‌نگری جای گرفته بودند، بدین معنا که معشوق من نباید کامل باشد اما معنای ظاهری این جمله می‌تواند نشان دهنده همان عشق‌باوری باشد یعنی اهمیت عشق برای فرد؛ در نتیجه منطقی به نظر می‌رسد که در این باور جای بگیرند. در نتیجه عشق‌باوری بدین معناست که عاشق یک نفر بودن دلیل کافی برای ازدواج کردن با اوست و تنها هم یک فرد مناسب در دنیا برای ازدواج با من وجود دارد. در واقع بین عاشق بودن و تنها یکی را معشوق دانستن رابطه تنگاتنگی وجود دارد و جامعه ایرانی این دو باور را یکی می‌بینند. عامل تجربه‌محوری ۶ سؤال دارد که شامل عامل‌های زندگی مشترک، اطمینان کامل و گویه‌های جداگانه می‌شود. عامل زندگی مشترک نشان می‌دهد «اگر با همسر آینده‌ام قبل از ازدواج زندگی کنم، می‌توانیم زندگی بهتری در آینده داشته باشیم». تمام سؤالات این عامل در عامل تجربه‌محوری قرار گرفتند. تنها یک سؤال اطمینان کامل در این عامل جای گرفت که عبارت است از «من قبل از ازدواج با معشوقم باید آن‌قدر صبر کنم تا ثابت کنیم روابطمان آن‌قدر مستحکم هست که بعداً ادامه یابد». همچنین یک سؤال از گویه‌های جداگانه نیز در این عامل جای می‌گیرد که عبارت است از «من و همسر آینده‌ام باید قبل از ازدواج بهترین دوست برای هم باشیم». اگر به دو سؤال آخر دقت شود می‌توان دریافت هر دو سؤال به نوعی دارند به تجربه مشترک قبل از ازدواج اشاره می‌کنند؛ در سؤال مربوط به عامل اطمینان، صبر کردن بر داشتن تجربه پیش از ازدواج اشاره دارد و همچنین دوست بودن نشان از داشتن تجربه مشترک است. اسم این عامل تجربه‌محوری گذاشته شد تا حالت وسیع‌تری از زندگی مشترک را شامل شود؛ زیرا در فرهنگ ایرانی، زندگی مشترک مسئله‌ای معمول نیست اما مفهوم رابطه نزدیک و داشتن تجربه مفهومی ملموس‌تر می‌باشد.

در نتیجه این باور، تجربه‌محوری نام‌گذاری شد که نشان می‌دهد «اگر با همسر آینده‌ام قبل از ازدواج تجربه بیشتری داشته باشم، می‌توانیم زندگی بهتری در آینده داشته باشیم». عامل ایده‌آل‌نگری شامل ۶ سؤال می‌شود که عامل‌های اطمینان کامل، ایده‌آل‌نگری و آسانی تلاش را در بر می‌گیرد. ۲ سؤال ایده‌آل‌نگری در این عامل جای گرفتند، همان طور که قبلاً ذکر شد دو سؤال از ایده‌آل‌نگری که بار منفی داشتند در عامل عشق‌باوری قرار گرفتند. همه سؤالات اطمینان کامل به‌جز سؤال ۲۱ که نشان از تجربه مشترک داشت در این عامل جای گرفتند و سؤال «اگر به اندازه کافی صبر کنم، فرد مناسب برای ازدواج یک روز در مسیر زندگی‌ام قرار خواهد گرفت» از عامل آسانی تلاش نیز در این باور قرار گرفت. با دقت می‌توان دریافت این سؤال نیز نشان از ایده‌آل‌نگری فرد دارد؛ در واقع فرد با صبر کردن می‌خواهد همسر ایده‌آل خود را پیدا کند و علت عدم تصمیم‌گیری این است که توقع دارد با فرد خاص و کاملی روبه‌رو شود. سؤالات اطمینان کامل نیز به نوعی نشان از ایده‌آل‌نگری دارند؛ در واقع در یک ایده‌آل‌نگری زیاد توقع می‌رود که اطمینان کامل وجود داشته باشد. در واقع فردی که باور ایده‌آل‌نگری دارد معتقد است «من از قبل از ازدواج باید از خود، طرف مقابل و رابطه اطمینان کامل داشته باشم». عامل متضادجویی شامل ۴ سؤال است که دقیقاً ۴ سؤال عامل زوج متضاد را در بر می‌گیرد، که دو سؤال ۲۴ و ۱۶ معکوس می‌باشند. افرادی که این باور را دارند معتقدند «فردی مناسب ازدواج با من است که ویژگی‌های شخصیتی متضادی با من داشته باشد». عامل آسان‌بینی ۳ سؤال دارد که در واقع همان سؤالات آسانی تلاش را در بر می‌گیرد، به‌جز یک سؤال از آن که به خاطر شکل ظاهری‌اش و مفهومی که به دنبال داشت، در ایده‌آل‌نگری قرار گرفت. افرادی که این باور را دارند معتقدند «انتخاب همسر باید آسان باشد و بیشتر حاصل شانس است تا عمل خاصی از طرف خود من». عامل خوش‌باوری ۳ سؤال را در بر می‌گیرد که شامل سؤالات عامل گویه‌های جداگانه و یک سؤال از عامل تنها و فقط یکی، می‌شود؛ اما اگر به دقت به این ۳ سؤال نگاه شود می‌توان مفهوم خوش‌باوری را در آن‌ها مشاهده کرد. «من مطمئن هستم که من و اکثر هم سن و سالانم یک روز ازدواج خواهیم کرد»، «وقتی که ازدواج کنم، مطمئنم این ازدواج برای همیشه پایدار خواهد بود» و «افراد متعددی در دنیا وجود دارند که من می‌توانم ازدواج خوشبختی با آن‌ها داشته باشم»، همگی نشان از این باور دارند که نیاز نیست زیاد نگران ازدواج و ادامه آن باشم و همه چیز بدون هیچ تلاشی، خوب پیش خواهد رفت. حتی سؤالی که عامل تنها و فقط یکی را نشان می‌دهد این معنا را در بر دارد. این سؤال در واقع می‌خواسته متضمن این مفهوم باشد که تنها یک فرد وجود ندارد که من می‌توانم در کنارش زندگی خوبی داشته باشم. اما معنای ظاهری آن بیشتر این مفهوم را به ذهن می‌آورد که جای هیچ نگرانی نیست همه چیز به خوبی پیش می‌رود و به راحتی می‌توان یک فرد را پیدا کرد و با او زندگی خوبی داشت. این عامل با عامل آسان‌بینی متفاوت

است، در عامل آسان‌بینی اشاره به عامل شانس در انتخاب همسر است اما در این جا بیشتر به راحت بودن فرایند زندگی و ازدواج اشاره دارد.

به منظور درک بیشتر این ابزار رابطه باورها با سن نیز مورد بررسی قرار گرفت. در گروه مردان، همبستگی تجربه‌محوری با سن معنادار و مثبت و همبستگی مربوط به ایده‌آل‌نگری منفی و معنادار است. بدین ترتیب با بالا رفتن سن در مردان مجرد، باور به زندگی و تجربه مشترک قبل از ازدواج افزایش و باور به ایده‌آل‌نگری کاهش می‌یابد. یعنی پسران مجرد با سن بالاتر بیشتر معتقدند که اگر با همسر آینده‌ام قبل از ازدواج زندگی کنم، می‌توانیم زندگی بهتری در آینده داشته باشیم اما کمتر به این اعتقاد دارند که قبل از ازدواج باید از خود، طرف مقابل و رابطه، اطمینان کامل داشته باشند. پریست (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان داد افراد بالای ۲۱ سال کمتر از افراد زیر ۲۱ سال به تنها و فقط یکی، عشق کافی است و ایده‌آل‌نگری باور دارند که در باور ایده‌آل‌نگری در پژوهش حاضر در مورد مردان هماهنگ است. اما به نظر می‌رسد سن در بقیه موارد در گروه ایرانی تأثیر مثبت نگذاشته است حتی در مردان با بالا رفتن سن اعتقاد به تجربه و زندگی مشترک نیز افزایش یافته است. این مسئله می‌تواند از آن جا ناشی شود که مردان مجرد با سن بالاتر ترجیح می‌دهند حالا که شرایط ازدواج فراهم نیست تجربه زندگی مشترک را داشته باشند و بنابراین این باور در آن‌ها افزایش می‌یابد و بیان می‌دارند که این تجربه و زندگی مشترک می‌تواند بسیار نیز سودمند باشد و به شناخت بیشتر بیانجامد در صورتی که می‌تواند سرپوشی برای تمایل به زندگی بدون تعهد زناشویی و مسئولیت‌های ناشی از آن باشد.

در نهایت برای درک کامل از مفاهیم و عملکرد هر باور نتایج در دو جنس نیز مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهند در تجربه‌محوری نمرات مردان بالاتر است و در متضادجویی و آسان‌بینی، زنان نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. در واقع مردان بیشتر از زنان به زندگی و تجربه مشترک قبل از ازدواج اعتقاد دارند در حالی که زنان بیش از مردان به متضادجویی و آسان‌بینی معتقد هستند. در پژوهش کوب، لارسون و واتسون (۲۰۰۳)، نتایج نشان دادند زنان بیش از مردان به باورهای تنها و فقط یکی، اطمینان کامل و ایده‌آل‌نگری معتقد هستند. اما در نمونه ایرانی در این باورها تفاوت جنسیتی دیده نشد بلکه همان‌طور که گفته شد مردان در باور تجربه‌محوری محکم‌تر بودند و زنان در باورهای متضادجویی و آسان‌بینی که می‌تواند ریشه‌های فرهنگی داشته باشد. همان‌طور که در قسمت قبل نیز گفته شد مردان مجرد که شرایط ازدواج را ندارند ترجیح می‌دهند بر این باور باشند که تجربه و زندگی مشترک می‌تواند برای شناخت بیشتر و موفقیت زندگی بعد از ازدواج مفید باشد اما زنان مجرد به علت محدودیت‌های دینی و عرفی و به طور کلی علاقه بیشتر زنان به داشتن

زندگی متعهدانه کمتر به این باور اعتقاد دارند. باور زنان به آسان‌بینی می‌تواند ناشی از این باشد که زنان در جامعه ایرانی کمتر در جمع‌هایی که بتوانند انتخاب کنند حضور دارند معمولاً در جریان انتخاب همسر منفعل هستند و بیشتر از مواردی که به صورت سنتی وجود دارند می‌توانند انتخاب کنند در نتیجه به باور آسان‌بینی که در واقع نشان‌دهنده اعتقاد به شانس است معتقد می‌شوند و بیش از مردان که نقش فعال‌تری در انتخاب دارند؛ به این باور معتقد هستند. در مورد متضادجویی، اختلاف زیاد نیست و کلاً نسبت به میانگین نیز نمره کمی را دریافت کرده است. البته به نظر می‌رسد همین مقدار اختلاف را نیز می‌توان بر اساس روان‌شناسی تحلیلی، تفسیر کرد، بدین صورت که بنا بر نظر فروید در دوره اختگی پسر، قبل از ادیپ، پسر در واقع می‌ترسد چیزی را که دارد از دست بدهد اما دختر در آرزوی بدست آوردن چیزی است که ندارد. همان‌طور که می‌دانیم این‌ها همه نماد است. بنابراین این نماد در زمان انتخاب همسر می‌تواند به صورت یافتن زوجی متفاوت ظهور پیدا کند. یعنی دختر به دنبال ویژگی‌هایی است که در خود نمی‌بیند، پس همسری با صفات متضاد را جستجو می‌کند.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت نسخه فارسی مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق و انتخاب همسر از اعتبار و روایی مطلوبی برخوردار است هرچند در مقایسه با نسخه اصلی دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشد. علت تفاوت‌ها چه در نام‌گذاری عامل‌ها چه در نتایج و مقایسه دو جنس بیشتر ناشی از فرهنگ می‌باشد. همان‌طور که عنوان شد به طور مثال در ایران نمره مردان در باور تجربه‌محوری بیشتر از زنان است و با سن نیز افزایش می‌یابد، زنان نیز در باور آسان‌بینی نمره بالاتری دارند که تفسیر وابسته به فرهنگ این نتایج ارائه شد. هم‌چنین در نام‌گذاری عامل‌ها نیز اثر فرهنگ به چشم می‌خورد، مثلاً بر اساس نتایج به نظر می‌رسد در ایران دو باور تنها یکی و فقط یکی و عشق کافی است یا به زبان دیگر تنها یکی را معشوق دانستن و عاشق بودن همراه هم هستند و جداگانه اتفاق نمی‌افتند که می‌تواند ناشی از مفهوم عاشق و معشوق در فرهنگ ایرانی باشد. هم‌چنین ظاهر شدن عامل خوش‌باوری که در نسخه اصلی وجود نداشت کاملاً وابسته به فرهنگ ایرانی و تصویری که از ازدواج در این فرهنگ وجود دارد، می‌باشد. در پایان به نظر می‌رسد برای درک بیشتر باورهای غیرمنطقی انتخاب همسر، باید پژوهش‌های متنوعی در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر این باورها در جامعه ایران انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Waller
2. McLanahan
3. Crosby
4. Constraining beliefs

5. The one and only
6. The perfect partner
7. The perfect self
8. The perfect relationship
9. Try harder
10. Love is enough
11. Cohabitation
12. Opposites complement
13. Choosing should be easy
14. Attitudes about romance and mate selection scale
15. Complete assurance
16. Idealization
17. Ease of effort
18. Detractor items
19. Priest
20. Myers
21. Black College Students Attitudes Towards Romance And Mate Selection Nussbaum
22. Nussbaum
23. A study of the relationship between attitudes about romance and mate selection and spiritual maturity of eighteen-years-old in selected southern Baptist churches in the Dallas Fort Worth area
24. Yilmaz
25. Kalkan
26. Kerpelman
27. Variation

منابع

- Cobb, N. P., Larson, J. H., & Watson, W. L. (2003). Development of the attitudes about Romance and Mate Selection Scale. *Journal of Family Relations, 53*(3), 222-231.
- Crosby, J. (1985). *Reply to myth: Perspectives on intimacy*. New York: Wiley.
- Kerpelman, J. L., Pittman, J. F., Adler-Baeder, F., Eryigit, F., & Paulk, A. (2009). Evaluation of a statewide youth-focused relationships education curriculum. *Journal of Adolescence 32*, 1359–1370.
- Larson, J. H. (1988). The marriage quiz: College students' beliefs in selected myths about marriage. *Family Relations, 37*, 3-11.
- Larson, J. H. (1992). "You're my one and only": Premarital counselling for unrealistic beliefs about mate selection. *American Journal of Family Therapy, 20*, 242-253.
- Larson, J. H. (2000). *Should We Stay Together? A scientifically proven method for evaluating your relationship and improving its chances for long-term Success*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Larson, J. H. (2000). The verdict on cohabitation vs. marriage. *Marriage & Families, 7-12*.
- Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Premarital predictors of marital quality and

- stability. *Family Relations*, 43, 228-237.
- Myers, N. J. (2008). *Black college students' attitudes towards romance and mate selection*. Unpublished doctoral dissertation, Widener University, Philadelphia, USA.
- Nussbaum, L., B. (2006). *A study of the relationship between attitudes about romance and mate selection and spiritual maturity of eighteen-years-old in selected southern Baptist churches in the Dallas Fort Worth area*. Unpublished doctoral dissertation, School of educational Ministries, Texas, USA.
- Priest, J. (2009). Relationship dissolution and romance and mate selection myths. *Family Science Review*, 14, 48-57.
- Seltzer, J. A. (2000). Families formed outside of marriage. *Journal of Marriage and Family*, 62 (4), 1247-1268.
- Simpson, J. A., Campbell, B., & Berscheid, E. (1986). The association between romantic love and marriage: Kephart (1967) twice revisited. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 12, 363-372.
- Sprecher, S., & Metts, S. (1989). Development of the "Romantic Beliefs Scale" and examination of the effects of gender and gender-role orientation. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6, 387-411.
- Waller, M., & McLanahan, S. (2005). "His" And "Her" Marriage expectations: Determinants and consequences. *Journal of Marriage & Family*, 67, 53-67.
- Wright, L. M., Watson, W. L., & Bell, J. M. (1996). *Beliefs: The heart of healing in families and illness*. New York: Basic Books.
- Yilmaz, T., & Kalkan, M. (2010). The effects of a premarital relationship enrichment program on relationship satisfaction. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 10(3), 1911-1920.

پیوست

عامل ۱: عشق‌باوری

۳. عاشق یکدیگر بودن، باید دلیل کافی برای ازدواج کردن باشد.
۲۶. فقط یک احمق از ازدواج با عشقش اجتناب می‌کند.
۱۱. در نهایت عشق ما به یکدیگر برای تضمین یک ازدواج خوشبخت کافی است.
۲. تنها یک عشق حقیقی در دنیا وجود دارد که فرد مناسب برای ازدواج با من است.
۲۵. تنها یک و فقط یک فرد مناسب در دنیا برای ازدواج با من وجود دارد.
۱۸. تا زمانی که ما عاشق یکدیگر هستیم، نباید بگذاریم هیچ مانعی بر سر راه ازدواج ما قرار گیرد.
۲۹. من با معشوقم ازدواج می‌کنم حتی اگر مطمئن نباشم او می‌تواند از پس تمام نیازهای من برآید.
۶. من با فردی که عاشقش هستم ازدواج خواهم کرد، هرچند او کاملاً ایده‌آل من نباشد.
۱۷. جایی در این دنیا برای من یک مونس روحی وجود دارد که باید با او ازدواج کنم، شریک خاصی که تنها او برای من مناسب است و من برای او.

عامل ۲: تجربه‌محوری

۲۷. زندگی مشترک قبل از ازدواج راه مناسبی برای سنجش میزان کارایی ازدواج ما خواهد بود.
۱۹. این ایده‌ی خوبی است که برای ارزیابی نحوه‌ی روابطمان، قبل از ازدواج مدتی با هم زندگی کنیم.

۱۲. ما به احتمال زیاد در ازدواجمان خوشبخت‌تر خواهیم بود اگر قبل از ازدواج با هم زندگی کنیم.
۴. تجربه زندگی مشترک قبل از ازدواج، احتمال داشتن یک زندگی مشترک شاد بعد از ازدواج را بیشتر می‌کند.
۲۰. من و همسر آینده‌ام باید قبل از ازدواج بهترین دوست برای هم باشیم.
۲۱. من قبل از ازدواج با معشوقم باید آن‌قدر صبر کنم تا ثابت کنیم روابطمان آن‌قدر مستحکم هست که بعداً ادامه یابد.

عامل ۳: ایده‌آل‌نگری

۲۸. من باید قبل از ازدواج تا زمانی که کاملاً احساس آمادگی نکرده‌ام، صبر کنم.
۱۳. قبل از این‌که ازدواج کنم باید کاملاً مطمئن باشم که همسر مناسبی خواهم بود.
۱۴. من نباید با عشقم ازدواج کنم، مگر این‌که در روابط دوره آشنایی کاملاً و تماماً مورد پسندم قرار گیرد.
۱۵. اگر به اندازه کافی صبر کنم، فرد مناسب برای ازدواج یک روز در مسیر زندگی‌ام قرار خواهد گرفت.
۵. قبل از تصمیم‌گیری در مورد ازدواج با معشوقم باید کاملاً کاملاً مطمئن شوم که ازدواج ما موفق خواهد بود.
۲۲. فردی که با او ازدواج می‌کنم باید تمام آن خصوصیات که من برای همسر آینده‌ام به دنبالش هستم را دارا باشد.

عامل ۴: متضادجویی

۸. زوج‌هایی که بسیار به هم شبیه‌اند، روابط پوچ و کسل‌کننده‌ای دارند.
۲۴. اگر با کسی ازدواج کنم که در اکثر موارد، به من شبیه باشد، روابطمان مستحکم‌تر خواهد بود. (معکوس)
۳۲. من باید با کسی ازدواج کنم که ویژگی‌های شخصیتی عکس من داشته باشد.
۱۶. هنگام تصمیم‌گیری در مورد ازدواج، توجه کردن به شباهت‌هایی که با طرف مقابل دارم، یک مسئله بسیار مهم است. (معکوس)

عامل ۵: آسان‌بینی

۲۳. یافتن فرد مناسب برای ازدواج مسئله‌ای نیست که من کنترل زیادی بر آن داشته باشم.
۳۱. ازدواج کردن، بدون تلاش قابل توجهی از طرف من به صورت طبیعی رخ می‌دهد.
۷. پیدا کردن فرد مناسب برای ازدواج بیشتر یک شانس است تا تلاش.

عامل ۶: خوش‌باوری

۱. من مطمئن هستم که من و اکثر هم‌سن و سالانم یک روز ازدواج خواهیم کرد.
۹. وقتی که ازدواج کنم، مطمئنم این ازدواج برای همیشه پایدار خواهد بود.
۱۰. افراد متعددی در دنیا وجود دارند که من می‌توانم ازدواج خوشبختی با آن‌ها داشته باشم.